[پنجاه و پنج]

سلام علیکم

ضمن تشکر مجدد از شما

دو نکته درباره این بحث باقی ماند.

فرمودید

> [illegible]
> ...
> [illegible]

بسیار نکته عالی و استدلال قوی ای در اثبات تواتر بود. به زبانی که خودم فهمیدم استدلال شما به نحوی است که حتی اگر کسی قرائات چندگانه را قبول نداشته باشد و معتقد باشد فقط یک قرائت صحیح وجود دارد، باز خود همین تعدد قرائات، اصل تک تک آیات را اثبات می کند متواتر؛ یعنی قطعا آیه ای وجود داشته که مثلا بر سر اعراب برخی از حروف آن و مثلا ملک یا مالک خواندن کلمه اول آن، چنین نزاعی مشاهده می شود

به تعبیری دیگر با استدلال شما و تذکری که درباب سنخ و ماهیت تواتر داده اید (که سنخش را باید تشکیکی ببینیم نه دوارزشی) نتیجه می شود که ، نه فقط تواتر اصل قرآن و تواتر اصل سور قرآنی، بلکه تواتر اصل تک تک آیاتی که در قرآنی که در دست ماست و وجود دارد، حاصل است بالریب.

همچنین در مورد اصل ِتقریبا تمام کلماتی که در قرآن فعلی موجود است (گفتم «تقریبا»؛ چون معدود کلماتی است که اصل آنها در قرائات مختلف کم و زیاد می شود مانند کلمه «وه» در آیه 24 سوره حدید که در قرائت ورش از نافع وجود ندارد)
اما **اولین سوالی** که می ماند در مورد این است که اولا حتی اگر از کلمات مختلف فیه فعلی هم صرف نظر کنیم، آیا کلمات یا حتی آیاتی وجود ندارد که به دست ما نرسیده باشد؟ ظاهر روایات هم شیعه و هم سنی این است که لااقل کلماتی وجود داشته در برخی قرائتهای دیگر، که در قرائت های کنونی موجود نیست (همان مطلبی که مرحوم مجلسی می گفت روایات ناظر به اصل این ادعا در حد قریب به تواتر است) . اگر چنین باشد آیا لازمه آن قبول تحریف به نقصان (در محدوده کلمات و چه بسا آیات) نمی شود؟به تعبیری دیگر، استدلال فوق، اگرچه تواتر را در عدم تحریف به زیاده در حیطه اصل کتاب، سور قرآن، آیات قرآن، و عمده کلمات قرآن (بالای 99 درصد کلمات قرآن) اثبات قطعی (قطعی بر اساس منطق تشکیکی و نه منطق دوارزشی) کرد؛ اما در در تحریف به نقصان، به ویژه در حیطه کلمات، و چه بسا حتی در حیطه آیات و سور، ساکت است. (البته توجه دارم که عدم توانایی یک استدلال از اثبات مدعایی، به معنای رد آن مدعا نیست) در واقع، آیا برای این حیطه هم استدلالی هست؟

سوال دوم که همچنان باقی است این است که مکی ای مدنی بودن آیه انا نحن نزلنا... چه ثمره ای در بحث دارد؟ بنده یک گمانه ای را مطرح کردم که شما با اشاره به قاعده استعمال لفظ در اکثر از معنا، استدلال مبتنی بر گمانه حقیری را در فرمودید که حق با شما بود. به هر حال برداشت اولیه حقیری با توجه به اینکه اصل سوره را مکی دانسته بودند و با توجه به سیاق آیات، این بود که علی القاعده این آیه هم مکی است. ممنون می شوم اگر خودتان بفرمایید که نظر خودتان چیست و چه ثمره ای بر مکی ای مدنی بودن مترتب است و بحث را باز بفرمایید.

التماس دعا[1] [2]

---

[1] پست یکی از کاربران با نام کاربری Hosein-

[2] پست های ۵۶، ۵۷ و ۵۸ پیام های کاربران است که به علت عدم ارتباط مستقیم با کلام استاد در متن بالا نیامده است.

بازبینی #1
ایجاد شده 13 آوریل 2025 13:25:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 آوریل 2025 13:26:22 توسط ... .